

نقش شیعیان و رهبران مذهبی

در تحولات سیاسی و اجتماعی عراق در سده اخیر

مصطفی غلامی قمی*

چکیده

به دلیل موقعیت استراتژیک عراق در منطقه خاورمیانه و همچنین وجود منابع غنی نفت، این کشور مورد توجه دول استعمارگر واقع شده و طی سالیان متمادی تحت سیطره آنان بوده است؛ لذا بر اثر بیداری و آگاهی اجتماعی مردم، در قرن بیستم، شاهد به وجود آمدن قیام‌هایی استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه در کشورهای مختلف به خصوص عراق بوده‌ایم؛ در این میان آنچه بیشتر مورد توجه می‌باشد نقش شیعیان در این حرکت‌ها و جایگاه مراجع دینی در رهبری این قیام‌ها در جهت دفع سلطه انگلیس و ایجاد حکومتی اسلامی در عراق می‌باشد؛ حرکت‌هایی که اگر از انسجام و سازماندهی بیشتری برخوردار بود، طی دهه‌های گذشته شاهد به ثمر نشستن آنها بودیم؛ ولی در طول مبارزات مردم عراق ملاحظه می‌شود که هر قیام یا انقلابی که شروع شد، اگرچه باعث بیداری و تا حدودی خودباوری مردم گشت، ولی با شکست مواجه شد؛ این امر به این مسئله بازمی‌گردد که رهبران مذهبی عراق از آگاهی‌های سیاسی مبسوطی برخوردار نبودند و دولت همواره عامل سرکوبگر این گروه بوده است. این مقاله سعی دارد علاوه بر بررسی مشکلات و موانع این حرکت‌ها، راهکارهایی را نیز ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: شیعه، عراق، جنبش شیعیان، روحانیت شیعه، حزب الدعوة.

مقدمه

با درگیر شدن امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، پای دولت بریتانیا به عراق باز شد و این مقدمه‌ای بود که بریتانیا بتواند سلطه نظامی خود را در عراق بعد از جنگ جهانی اول و تجزیه امپراتوری عثمانی بیشتر نماید. دخالت دولت بریتانیا در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی عراق از یک سو و قرار گرفتن دولت‌های بی‌کفایت و مخالف با آرمان‌های تشیع در رأس حکومت عراق، از سوی دیگر باعث شد حرکت‌ها و قیام‌هایی با شرکت شیعیان و رهبری متراجع دینی شکل بگیرد؛ ولی هیچ‌کدام از آنها نتوانستند به پیروزی نهایی برسند و نتیجه‌ای که حاصل شد، موقتی بود. همان‌طور که می‌دانیم یک جنبش باید دارای سه رکن ایدئولوژی، رهبری و مشارکت یکپارچه مردم باشد تا بتواند به سرمنزل مقصود برسد؛ ولی در بررسی حرکت‌هایی که در عراق انجام شد، به این نتیجه می‌رسیم که هر کدام از آنها دارای نواقصی بوده‌اند.

موضع‌گیری شیعیان قبل از سال ۱۹۵۰ مبنی بر عدم دخالت روحانیت در امور سیاسی بود؛ ولی با آغاز دهه ۱۹۵۰ این خط‌مشی تغییر کرد و استراتژی جدیدی که روی آموزش و ارتقای سطح آگاهی‌های مردم تأکید داشت، جانشین موضع‌گیری قبلی شد و البته خواهان آن بود تا از آرمان‌های اسلام دفاع نماید. این خط‌مشی امروزه با یک استراتژی انقلابی همراه است؛ بنابراین حرکت‌هایی در این جهت صورت گرفت و احزاب و گروه‌هایی از جمله حزب الدعوة، العمل الاسلامی، حزب التحریر اسلامی، جماعت اخوان المسلمین و چند گروه دیگر به وجود آمدند؛ ولی همان‌طور که ذکر شد، نتیجه نهایی به دست نیامد.

با توجه به اینکه نقش شیعیان و رهبران مذهبی به عنوان یکی از متغیرهای اساسی جامعه‌شناسی کشور عراق حائز اهمیت است، این مقاله سعی دارد ضمن

بازگرددن بعضی از حرکت‌های اسلامی شیعی به رهبریت مراجع دینی علیه سلطه استعماری انگلیس و بعضاً علیه حکومت‌های استبدادی عراق، موانع و مشکلات عدم موفقیت آنها را بررسی نماید. قبل از آنکه به بررسی حرکت‌های شیعی در تحولات سیاسی - اجتماعی عراق پرداخته شود، لازم است ابتدا تعریفی از واژگان «انقلاب» و «کودتا» صورت پذیرد.

کودتا واژه‌ای فرانسوی است که منظور از آن ساقط کردن غیرقانونی حکومت با زور و قدرت نظامی است که به وسیله افرادی صورت می‌گیرد که قسمتی از حکومت را در اختیار دارند؛ همچنین اگر در نتیجه عدم حل بحران در جامعه از سوی گروه حاکم، توده مردم در صدد ایجاد تحول در ساختار اجتماعی، سیاسی موجود برآیند، انقلاب صورت می‌گیرد (لک‌زایی: ۱۳۷۷ ش: ص ۲۳).

در ادامه تصویری از عراق به عنوان اولین کشور عربی که پس از جنگ جهانی اول به استقلال دست یافت، ارائه می‌شود.

۱. موقعیت عراق

۱.۱. موقعیت استراتژیک

عراق کشوری است مسلمان که مردم این سرزمین را اعراب نژاد سامی تشکیل می‌دهند. جمعیت آن بالغ بر ۲۲ میلیون نفر و وسعت آن ۴۵۰ هزار کیلومتر مربع است که از نظر تقسیمات کشوری دارای ۱۸ استان می‌باشد. این کشور در سال ۱۵ هجری قمری در زمان خلیفه دوم به تصرف سپاه اسلام درآمد و در سال ۳۶ هجری قمری با ورود امیرمؤمنان علی علیه السلام به عراق و قرار دادن کوفه به عنوان مرکز خلافت، مذهب تشیع نیز در آنجا گسترده شد؛ به گونه‌ای که اکنون ۶۰ درصد مسلمانان عراق

را شیعیان تشکیل می‌دهند. (رضایی، ۱۳۸۴، ش: ۲۶۴). این کشور به دلایل گوناگون، از جمله قرار گرفتن در منطقه استراتژیک خاورمیانه* و نیز برخورداری از معادن غنی و مهم‌تر از همه ذخایر فراوان نفت، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ و نیز هجوم استعمارگران بوده است. عراق همچنین بیش از ۱۱۰ میلیارد فوت مکعب ذخایر ثبت شده گاز دارد که این میزان تا ۱۶۰ میلیارد فوت مکعب قابلیت افزایش دارد. (رضایی، ۱۳۸۲، ش: ۱۳۹). عامل دیگری که باعث اهمیت عراق از لحاظ استراتژیک شده، همسایگی با ایران و نزدیکی با اسرائیل است. مجموعه عوامل ذکر شده باعث شده‌اند عراق طعم تلخ سلطه بیگانگان را از سال ۱۹۱۴ که تحت اشغال نیروهای انگلیسی و آمریکا می‌باشد بچشد و به همین جهت امنیت و آرامش از مردم این کشور سلب شود.

۱-۲. موقعیت مذهبی

موقعیت مذهبی عراق از چند منظر حائز اهمیت می‌باشد:

۱-۲-۱. همسایگی با ایران: به دلیل وجود حوزه‌های علمیه و مدارس دینی و مراجع مذهبی و به سبب اینکه اکثریت مردم ایران را شیعیان تشکیل می‌دهند و در رأس آن حکومتی شیعی قرار دارد، بنابراین ایران در مرکزیت جهان تشیع واقع شده است؛ لذا هم دولت ایران و هم ملت ایران می‌توانند پشتوانه مناسبی برای

* اصطلاح خاورمیانه برای اولین بار توسط یک افسر نیروی دریایی آمریکا به نام کاپیتان آلفرد تارماتان در سال ۱۹۰۲ به کار برده شد. خاورمیانه از آغاز تاکنون بستر بحرانی‌ترین حوادث جهان بوده است. پدیده‌هایی که در خاورمیانه به وجود آمده موجبات بروز مدنیت جامعی را در منطقه فراهم آورده است. خاورمیانه مهد تمدن، سرزمین ظهور اندیشه‌های علمی، فلسفی و اخلاقی، جلوه‌گاه ادیان الهی و غیرالهی، مسند نخستین حکومت و امپراتوری‌های جهان و اولین کانون گرم بازرگانی بین‌المللی بوده است (بیگدلی، ۱۳۶۴، ش: ۹).

شیعیان عراق محسوب شوند و هم از کمک‌های معنوی و هم از کمک‌های مادی ایرانیان بهره بگیرند.

۱-۲-۲. وجود شهرهای معروف و تاریخی: شهرهای نجف، کربلا، کوفه، و بصره در صدر اسلام مرکز قدرت سیاسی مسلمانان بوده‌اند؛ از جمله حضرت علی علیه السلام اولین پیشوای بزرگ، مرکز خلافت خود را کوفه قرار داد و قیام آزادی خواهانه امام حسین علیه السلام در کربلا اتفاق افتاد، و هنوز هم اهمیت شهرهای مذکور پابرجاست. پیش‌بینی می‌شود تحولات سیاسی عمیق در عراق هنوز هم به تصمیم‌گیری ساکنان شهرهای ذکر شده بستگی دارد؛ چراکه اکثریت جمعیت این شهرها را شیعیان تشکیل می‌دهند و می‌توانند وزنه مناسبی در پیدایش حکومت‌های اسلامی باشند.

۱-۲-۳. وجود حوزه‌های علمیه نجف و کربلا و قبور امامان علیهم السلام: در شهرهای مقدس نجف، کربلا، کاظمین و سامرا قبور مطهر شش امام همام قرار دارد. شهر نجف در مقابل الازهر مصر - که مرکز علمی اهل سنت است - مرکز علمی و تحصیلات مذهب تشیع بوده و به عنوان پایگاه تشیع معرفی شده است. روابط مداوم مراکز اندیشه و دانش دو کشور ایران و عراق موجب گردیده ایرانیان تأثیر فراوانی بر عراقی‌ها داشته باشند؛ چه اینکه آمیختگی مذهبی و احساسات مشترک دینی منجر به پدیده سیاسی خاص در عراق شده است و به این ترتیب زعامت مذهبی به دست ایرانیان افتاده است؛ از سوی دیگر اقامت و وجود ایرانیان در سراسر عراق و به ویژه در شهرهای مذهبی، موجب گسترش نفوذ ایرانیان گردید؛ لذا حرکت‌های اعتراض آمیز نسبت به حضور بیگانگان و یا علیه حکومت، به رهبری مراجع دینی با تابعیت از کشور ایران صورت گرفت.

قیام‌های شیعیان عراق

پس از تجزیه عثمانی و به وجود آمدن کشور عراق، شیعیان، بیشترین تأثیرگذاری را در روند شکل‌گیری استقلال سیاسی این کشور و بیرون آمدن از سلطه انگلیس ایفا نمودند؛ اما با این حال هیچ‌گاه نتوانسته‌اند به جایگاه حقیقی خود در ساختار قدرت دسترسی پیدا نمایند. نویسندگان تاریخ عراق بر این عقیده‌اند که مردم حقیقی عراق طی سالیان اخیر آسایش و آرامش نداشته و هزاران نفر در راه استقرار یک حکومت اسلامی راستین به درجه رفیع شهادت رسیده‌اند. در این راستا از صدر اسلام تاکنون قیام‌هایی به وقوع پیوسته است که مهم‌ترین آنها قیام اصلاح طلبانه امام حسین علیه السلام، جنبش توأبین و جنبش مختار تفتی به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام و قیام زید بن علی فرزند امام سجاد علیه السلام به انتقام خون جدش سیدالشهدا می‌باشد؛ اما جنبش‌هایی که با الگوپذیری از قیام امام حسین علیه السلام در قرن اخیر توسط رهبران مذهبی و مراجع شیعی که عمدتاً ایرانی‌تبار و ساکن نجف بودند به وقوع پیوست، عبارتند از:

۱. انقلاب ۱۹۱۴ علیه سلطه انگلیس؛
 ۲. انقلاب استقلال طلبانه ۱۹۲۰ به رهبری میرزا محمد تقی شیرازی؛
 ۳. قیام آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و محمد حسین کاشف الغطا در وقایع ۱۹۴۱ که عراق توسط انگلیس اشغال شده بود؛
 ۴. به وجود آمدن احزاب و گروه‌های اسلامی از جمله «حزب الدعوه» در جهت برقراری حکومت اسلامی؛
 ۵. تأثیرگذاری آیت‌الله سیستانی در وقایع اخیر عراق.
- قیام‌های شیعیان، برگرفته از اصول و تعالیم دین مبین اسلام می‌باشد و بر طبق تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راهی برای تسلط و نفوذ بیگانه در جامعه اسلامی نیست و اسلام، اساس و پایه حاکمیت می‌باشد؛ لذا رهبران مذهبی بر اساس رسالت

خویش، هدایت قیام‌ها را بز عهده گرفتند و مردم به سبب علائق مذهبی که با علما داشته و دارند، آنها را در قیام‌های سده اخیر عراق همراهی کردند؛ گفتنی است به دلیل سکونت شیعیان در مناطق جنوبی عراق، اکثر این قیام‌ها در این مناطق اتفاق افتاده است و البته یکی از دلایلی که این قیام‌ها به پیروزی نهایی نرسید، این است که رهبران از آگاهی سیاسی مبسوطی برخوردار نبودند و لذا نتوانستند به صورت منسجم، حرکت‌های خود را رهبری نمایند؛ درست همان‌طور که حرکت‌هایی که در سده اخیر در ایران به غیر از انقلاب اسلامی اتفاق افتاد؛ از جمله انقلاب مشروطیت که به دلیل عدم آگاهی سیاسی رهبران و تا حدودی اعتماد کردن به سیاست‌های انگلیس باعث شد این انقلاب از مسیر اصلی خود خارج شود و با شکست مواجه گردد.

در عراق نیز عدم آگاهی سیاسی رهبران از اوضاع داخلی و خارجی باعث عدم موفقیت این قیام‌ها شد؛ همچنین انتقال مرکزیت جهان تشیع از نجف به قم - که حاکی از عدم همبستگی بین روحانیون عراق و تقلیل رفتن کارکردهای آنان است - از پیامدهای عدم موفقیت این قیام‌ها می‌باشد؛ لذا در ادامه مقاله از انقلاب سال ۱۹۱۴ به بعد، قیام‌ها و حرکت‌های اعتراض آمیزی که علیه سلطه خارجی و دولت‌های ناکارآمد صورت پذیرفت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

انقلاب ۱۹۱۴

در اواخر سپتامبر ۱۹۱۴ انگلیسی‌ها برای ترغیب اعراب به حمایت از متفقین و همچنین به منظور حافظت از سرزمین مصر و تأسیسات نفتی آبادان در صدد حمله به جنوب عراق برآمدند. اولین هدف انگلیسی‌ها جدایی جنوب عراق از عثمانی و الحاق آن به مناطق اشغال شده خلیج فارس بود (فراهانی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۹۴)؛ لذا با تیروی نظامی خود از دهانه اروندرود وارد عراق شدند و فاو را به

تصرف خود درآوردند. با اشغال بندر فاو توسط انگلیس در ۶ نوامبر ۱۹۱۴ درگیری بین نیروهای عثمانی و انگلیسی آغاز شد و در ۲۳ نوامبر شهر بصره به اشغال نظامیان انگلیسی درآمد.

دولت عثمانی و آلمان با یکدیگر متحد بودند و دولت‌های انگلیس و فرانسه به کشورهای تحت سلطه امپراتوری عثمانی نوید استقلال بعد از جنگ را می‌دادند تا دست از مقاومت بردارند. با تصرف عراق توسط نیروهای انگلیسی، مردم به زهبران مذهبی متوسل شدند و از آنان تقاضای اعلان جنگ نمودند؛ لذا علما فتوای جهاد صادر نمودند و در بعضی از مناطق عراق از جمله بصره، علما علاوه بر بسیج نیروها به مقابله با نیروهای انگلیسی پرداختند و این خود از فصول درخشان مقاومت مسلحانه در نیروهای اسلامی است (صادق‌تهرانی، ۱۳۶۳ ش. ص ۶)؛ بنابراین انگلیسی‌ها نتوانستند از طریق جنوب، عراق را تصرف نمایند و مجبور شدند جبهه جنگ را تغییر دهند و از طرف سوریه به بغداد حمله‌ور شوند و آن را به تصرف درآوردند. فاصله زمانی بین سقوط بغداد در ۱۱ مارس ۱۹۱۷ تا اعلان آتش‌بس در ۳۱ اکتبر ۱۹۱۸ از سوی مردم عراق به دوران سقوط نام‌گرفته است. در این دوران بود که اولین جرقه‌های استقلال‌طلبی در میان مردم و شیعیان عراق آشکار گردید (فراهانی، ۱۳۸۴ ش. ص ۲۱۹).

در مجموع، مقاومت علما و روحانیون، مصائب و مشکلات فراوانی برای انگلیسی‌ها به وجود آورد و اگر پیروزی نهایی متفقین و شکست آلمان نبود، انگلیسی‌ها موفق به اشغال عراق نمی‌شدند (صادق‌تهرانی، همان).

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، عدم آگاهی سیاسی رهبران مذهبی عراق از اوضاع داخلی و خارجی باعث شد ایشان نتوانند مسیر اصلی انقلاب را رهبری نمایند و اگر درایت رهبران به حدّ اعلا بود و می‌توانستند وحدتی بین قومیت‌های سه‌گانه

عراق (کردها، سنی‌ها، شیعیان) فراهم آورند، بی‌شک این حرکت، نتایج مطلوب‌تری را به ارمغان می‌آورد و این قیام مختص جنوب عراق نمی‌شد و در شمال و مرکز عراق هم به حمایت از این قیام تحولاتی رخ می‌داد؛ بنابراین قیام ۱۹۱۴ به صورت جرقه‌ای زودگذر بود و اگرچه با شکست زوبر و گشت، ولی این نوید را به مردم عراق داد که می‌توان در مقابل اشغالگران ایستادگی کرد. این قیام سرآغازی برای انقلاب ۱۹۲۰ شد.

قیام ۱۹۲۰

علما و شیعیان در طول تاریخ عراق، حرکت‌های اعتراض‌آمیز فراوانی علیه استبداد انجام داده‌اند؛ از جمله بعد از انقلاب ۱۹۱۴ انقلاب ۱۹۲۰ به رهبری آیت‌الله محمدتقی شیرازی بر ضد استیلای انگلستان صورت گرفت. ایشان در شیراز متولد شد و در کربلا پرورش یافت؛ در همین شهر، مقدمات علوم اسلامی را فراگرفت و نزد ملا محمدحسین فاضل از دکانی درس خواند؛ آن‌گاه با دوست و هم‌مباحثه خویش سید محمد فشارکی اصفهانی همراه نخستین دسته از مهاجران به سامرا رفت و مجدداً به محضر درس میرزای شیرازی پیوست؛ سپس در شمار برترین شاگردان حوزه درس میرزای اول درآمد. بعد از درگذشت آیت‌الله محمدحسن شیرازی ایشان به جانشینی وی تعیین گشتند و به مقام مرجعیت رسیدند (صاحبی، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۸۰).

طبق اصول معاهده «سان ریمو» قسمتی از میراث عثمانی میان انگلستان و فرانسه تقسیم شد. سرپرستی لبنان و سوریه به فرانسه و سرپرستی عراق، اردن و فلسطین به انگلیس واگذار گردید. این امر در عراق منجر به خیزش همگانی شد و قیام ۱۹۲۰ را به وجود آورد. انگلیسی‌ها در سال ۱۹۱۷ اعلام کردند عراق مستقل

خواهد شد و مردم می‌توانند یک رئیس دولت غیر ترک برای خود برگزینند؛ از سوی دیگر انگلیسی‌ها کوشش کردند «سیر پرسی کاکس» را حاکم عراق گردانند. این موضوع سبب ناراحتی مردم عراق گردید. میرزا محمدتقی شیرازی مرجع بزرگ تقلید وقت اعلام کرد: بر مردم، مسلمان حرام خواهد بود که یک حاکم نامسلمان برای خود برگزینند؛ بنابراین عراقی‌ها مبارزات خود را در راه آزادی سیاسی بیشتر، تحت رهبری علمای نجف، کربلا و کاظمین دنبال کردند. در یکی از اعلامیه‌هایی که آیت‌الله شیرازی صادر کرد، همه مردم اعم از یهودی، مسیحی، شیعه و سنی را به اتحاد بر ضد دشمن مشترک فرا خواند (حائری، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۷۰). او همیشه ظلم و ستم انگلیسی‌ها را در هند و دیگر نقاط جهان گوشزد می‌کرد و هنگامی که انگلیسی‌ها می‌خواستند طرح قیمومیت خود را اجرا کنند، صریحاً فتوایی صادر نمود که: «هیچ کس جز مسلمانان حق ندارد بر مسلمانان حکومت کند» (جوینان، ۱۳۷۳ ش، ص ۸۳).

انقلاب‌های مشروطه‌خواهی ایران و ترکیه نقش فراوانی در بالا بردن آگاهی سیاسی در میان مردم عراق بازی کردند. به عقیده برخی از نویسندگان عراقی، وجود این دو انقلاب، زمینه مناسبی برای انقلاب ۱۹۲۰ عراق فراهم آورد. در این جهاد، میرزا محمدحسین نائینی یکی از پشتیبانان مشروطیت ایران و همچنین حضرت آیت‌الله نجفی به عنوان سقا و آب‌رسان به چادرهای جهادکنندگان، شرکت داشتند (حائری، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۶۹)؛ ولی در مجموع پیروزی نهایی برای مسلمانان عراق به دست نیامد؛ اگرچه این قیام با شکست روبرو گشت، ولی تحولی عظیم برای عراق محسوب شد و انگلستان تصمیم گرفت نظارت خود را بر عراق به شیوه دیگری انجام دهد و با اعمال استعماری خود به طرز دیگری رفتار نماید. انگلستان در صدد بود یک حکومت سلطنتی مشروطه تحت الحمایه

انگلستان در عراق تشکیل دهد و به این منظور در اندیشهٔ انتخاب پادشاهی برای عراق بود. لرد کرزن وزیر امور خارجه وقت انگلستان در ۱۱ نوامبر دعوت‌نامه‌ای برای فیصل پسر شریف حسین به لندن ارسال کرد. در سفر فیصل به لندن پیشنهاد پادشاهی عراق به طور سربسته، برای اولین بار با وی مطرح شد و در ۷ ژانویه ۱۹۲۱ نیز کرزن در همین راستا نماینده‌ای نزد فیصل فرستاد و موضوع را به صراحت با وی در میان گذاشت و دو شرط اساسی با او مطرح کرد:

۱. قبول استمرار قیمومیت انگلیس بر عراق؛

۲. عدم ادامه نبرد و معارضةٔ مسلحانه علیه دولت فرانسه در سوریه.

فیصل این پیشنهاد را پذیرفت (فراهانی، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۱۲).

تشکیل کنفرانس قاهره در مارس ۱۹۲۱ فصل جدیدی در رفتار و سیاست‌های دولت انگلیس در خاورمیانه باز کرد و در مورد وضعیت حکومت عراق برقراری رژیم سلطنتی به رهبری ملک فیصل یکی از پسران شریف مکه تأیید شد (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۷).

بنابراین پس از یک همه‌پرسی فرمایشی در ۲۳ اوت ۱۹۲۱ با ۹۶ درصد رأی پادشاهی ملک فیصل رسمیت یافت و این کشور در سال ۱۹۲۴ صاحب نخستین قانون اساسی با رژیم مشروطه سلطنتی گردید. فتوای روحانیان در تحریم انتخابات، اختلاف موجود میان حکومت دست‌نشاندهٔ استعمار انگلیس و روحانیان را عمیق‌تر ساخت؛ بنابراین دولت انگلیس در قبال مبارزه روحانیون با حکومت ملک فیصل جهت رفع مزاحمت و خلاص شدن از دست روحانیون تصمیم به تبعید آنان گرفت؛ از جمله شیخ محمد خالصی و سید محمد صدر را به ایران تبعید نمود. در این هنگام آیت‌الله نائینی و ابوالحسن اصفهانی و چند تن از رهبران مذهبی کربلا و نجف به نام‌های مهدی خراسانی و شیخ جواد جواهری

به عنوان اعتراض نسبت به عملکرد حکومت به ایران آمدند (نیکوبرش، ۱۳۸۱ ش. ص ۱۲۷)؛ اگرچه تشکیل حکومت عراق و استقلال این کشور و به وجود آمدن عراقی مستقل نتیجه قیام ۱۹۲۰ بود، ولی شیعیان در طول سلطنت ۳۸ ساله خاندان هاشمی کمترین نقش را ایفا نمودند.

فعالیت فرهنگی نیروهای مذهبی در زمان حکومت قاسم

سرهننگ عبدالکریم قاسم توسط کودتای نظامی به عمر سلطنت خاندان هاشمی پایان داد و حکومت جمهوری را جانشین آن کرد. به سبب باز شدن فضای سیاسی، اجازه تأسیس احزاب صادر گردید و چندین حزب به وجود آمد؛ از جمله حزب کمونیست که تا پیش از حکومت قاسم به صورت مخفی فعالیت می‌کرد، فعالیت آن آشکار شد و آزادی عمل بیشتری به دست آورد و به فعالیت و خرابکاری ضد دستگاه دین و روحانیت مشغول شد. کمونیست‌ها به مردم نوید دادند که آنها را از فقر و بیچارگی نجات خواهند داد و آینده روشنی برای آنان ترسیم خواهند نمود. فعالیت آنان نزدیک بود سراسر عراق را در برگیرد؛ ولی این بار نیز رهبران تشیع در نجف اشرف علیه تعلیم کفرآمیز کمونیسم فتوای خود را صادر نمودند و این مرام را ضد خداوند و علیه ادیان آسمانی و دشمن مذهب معرفی نمودند؛ بنابراین اولین جنبش اسلامی در شهر نجف اشرف تحت عنوان «جماعة العلماء» در سال ۱۹۵۸ که هدف اساسی آنان مبارزه با کمونیسم بود، تشکیل شد. این گروه در همین راستا اقداماتی انجام دادند؛ از جمله:

۱. اعزام مبلغان دینی به سراسر عراق و آگاه نمودن مردم؛
۲. ایجاد روابط و همکاری با دانشگاه و فعالیت ضد کمونیستی در مراکز علمی؛
۳. انتشار کتاب و نشریه؛

۴. برگزاری جشن‌ها و مراسم مذهبی در جهت زنده نگاه داشتن اصول اسلام؛
۵. بر ملا نمودن جنایات کمونیست‌ها در روسیه.

اقدامات اساسی جماعة العلماء تا حدود زیادی باعث شد سطح آگاهی مردم بالا برود و کمونیست‌ها به هدف نهایی خود نرسند. فعالیت ضد کمونیستی این گروه از یک طرف و فعالیت آیت‌الله سید حسن شیرازی مرجع تقلید شیعیان آن زمان، باعث عقب‌نشینی حزب کمونیست عراق شد.

آیت‌الله شیرازی در کربلا، تشکلی از جوانان به نام «الشباب الحسینی» ایجاد کردند. این تشکل، مرکزی برای فعالیت ضد کمونیست بود و در صدد بود نگذارد مردم به عضویت حزب در آیند. آنها نشریه‌های مستدل و متین صادر می‌کردند و با از خود گذشتگی عجیبی آنها را میان مردم پخش می‌کردند. با ایجاد جلسات این تشکل سدی در مقابل کمونیسم ساخته شد و مردم متدین، روحی جدید در خود احساس کردند (کاظمی، ۱۳۶۴ ش. ص ۴۰)؛ در حقیقت در بین حرکت‌هایی که توسط رهبران مذهبی و شیعیان انجام شد، حرکتی که علیه کمونیسم انجام گرفت تا حدود زیادی مؤثر واقع شد و حزب کمونیسم نتوانست به هدف عمده خود برسد.

حزب دیگری که در زمان حکومت قاسم به عنوان بزرگ‌ترین و قوی‌ترین احزاب سیاسی عراق و همچنین اولین سازمان سیاسی اسلامی شیعی خودنمایی کرد، حزب «الدعوة الاسلامیه» بود. این حزب در سال ۱۹۵۸ در نجف اشرف به وسیله آیت‌الله سید محمدباقر صدر پایه‌ریزی شد؛ اما به صورت رسمی در سال ۱۹۶۸ اعلام وجود کرد. این حزب به رهبری روحانیون تحصیل کرده جوان از پیشروترین مجتهد فرهیخته عراق، یعنی محمدباقر صدر الهام می‌گرفت. اعضای آن غالباً از طبقه متوسط بودند که بیشتر در شهرهای مقدس و جنوب عراق

تمرکز داشتند. تبلیغات حزب از طریق مساجد و مدارس مذهبی تحت راهنمایی حوزه علمیه نجف صورت می‌گرفت. فعالیت حزب ابتدا به دعوت مردم به ایمان و احیای اعتقادات دینی بود و سپس به حزب سیاسی تبدیل شد که برای مقابله با آموزه‌های عربیسم و کمونیسم به مبارزه می‌پرداخت. از سال ۱۹۶۸ و ظهور حزب بعث بود که حزب به فعالیت خشونت‌آمیز متوسل شد (دکمیان، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۹۶)؛ بنابراین می‌توان گفت حرکتی که علیه حزب کمونیست صورت گرفت، با موفقیت همراه بود؛ چراکه روحانیون با آگاهی‌های لازم نسبت به ایده‌های کمونیستی اهتمام ورزیدند و با اقدامات فرهنگی خود توانستند سطح آگاهی مردم را بالا برده، ماهیت شیطان‌ی حزب کمونیست را نمایان کنند و مبارزه خود را علیه آن آغاز نمایند. این بخش از مبارزات رهبران شیعی را می‌توان از فصول درخشان مبارزاتی آنان دانست.

قدرت یافتن حزب بعث و اقدامات حزب الدعوه

در سال ۱۹۶۸/ احمد حسن البکر با یک کودتای نظامی، عبدالرحمن عارف را برکنار نمود و بر مسند قدرت تکیه زد و عملاً قدرت در اختیار حزب بعث قرار گرفت. با قدرت یافتن حزب بعث، موقعیت شیعه به مخاطره افتاد؛ بنابراین حزب الدعوه الاسلامیه و طرفدارانش با تهدید جدی روبرو شدند؛ چه اینکه در اوایل سال ۱۹۶۹ رژیم، سید مهدی حکیم را به جرم جاسوسی با اسرائیل بازداشت کرد. نظام بعثی از چهار ویژگی رفتاری و سیاسی برخوردار بود:

۱. جهت‌گیری ناسیونالیستی غیرمذهبی؛
۲. تصمیم قاطع برای پیشگیری از سقوط؛
۳. گرایش به تأمین پست‌های کلیدی از تکریت (زادگاه رئیس‌جمهور، احمد

حسین البکر و معاون وی صدام حسین، بخش العرجاء تکریت می‌باشد)؛
۴. سیاست‌های اقتصادی که در رابطه مستقیم خود، با جمعیت کشور باعث توزیع
بد درآمد و بروز مشقت و سختی در میان طبقات فقیر و به‌ویژه شیعیان شد.
هر یک از سیاست‌های چهارگانه فوق، تأثیر زیادی بر رهبری مذهبی شیعه و
مردم به جای گذاشت. فروختن گوشت خوک و کنترل مدارس مذهبی توسط
دولت و جلوگیری از نشر آثار مذهبی و ممانعت از تعمیر مساجد و تعقیب و آزار
روحانیت شیعه از جمله نمودهای این سیاست بود. این سیاست‌ها به بزرگ‌ترین
انگیزه شیعیان عراق تبدیل شد تا پشت سر «حزب الدعوة» متحد شوند و در
یکسری رویارویی‌های خشونت‌بار علیه رژیم شرکت جویند (دکمیان، ۱۳۶۶ ش.
ص ۱۹۳-۱۹۶). این رویارویی‌ها در چندین نوبت به اعتراضات سیاسی انجامید که
توسط دولت با دستگیری و سرکوب مواجه شدند. عده‌ای محاکمه و اعدام و یا در
زندان‌های ناشناخته محبوس شدند.

نقش سید محمدباقر صدر در تحولات عراق

آیت‌الله صدر از متفکران والامقام اسلامی است که در کنار نقش مذهبی،
فعالیت‌های سیاسی گسترده‌ای در عراق داشت. مبارزات وی علیه کمونیسم و
حکومت‌های فاسد در عراق و همچنین توجه وی به مبانی اسلامی و حکومت
اسلامی و دعوت مردم به قیام علیه ظلم و ستم با تکیه بر اسلام نه قومیت عربی،
موجب شد این شخصیت در رهبری مبارزات مردم عراق نقش قابل ملاحظه‌ای
داشته باشد. انتقاد او از فلسفه‌های سیاسی کمونیستی و غربی و ارائه نوع اسلامی
آن و نگرش او نسبت به حاکمیت مردمی در تشیع همچنان بخشی از مرامنامه
شیعیان اسلامگرا را تشکیل می‌دهد (فولر، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۸۵).

علاوه بر فعالیت‌های سیاسی صدر علیه رژیم بعث که در قالب حزب الدعوة شکل گرفته بود، تألیفات علمی وی موجب گشت آثار مثبتی در مردم عراق به ویژه طبقه تحصیل کرده و دانشگاهی به جا بماند (عیوضی، ۱۳۸۲ ش. ص ۱۴۱). کتاب علوم القرآن مجموعه‌ای از دروس است که دانشکده اصول‌الدین بغداد در ابتدا، کار تألیف آن را به شهید محمدباقر صدر و سپس تدریس آن را به استاد علوم قرآنی دانشکده سید محمدباقر حکیم سپرد. پاره‌ای از این دروس را شهید صدر نگاشت و شهید حکیم به تکمیل آن پرداخت (شهیدی، ۱۳۸۵ ش. ص ۵۷).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ موج جدیدی از ناآرامی در میان مردم شیعه به وجود آورد. تظاهرکنندگان مراسم محرم خواستار اصلاحات اجتماعی و استقرار یک حکومت اسلامی شدند و دولت عراق با توجه به تشویق علنی پیکارجویی شیعه از سوی آیت‌الله خمینی، حزب الدعوة را همچون ستون پنجمی می‌دانست که هدفش ادغام ایران و عراق بود. اعلام حمایت مطلق از انقلاب اسلامی ایران از سوی صدر و تشویق مبارزه مسلحانه علیه حزب بعث از سوی او رژیم را واداشت تا او را به دلیل طرح‌ریزی در جهت تشکیل یک حکومت شیعه در عراق به خیانت متهم کند (دکمبجان، ۱۳۶۶ ش. ص ۱۹۷)؛ بنابراین رژیم بعثی عراق آیت‌الله محمدباقر صدر و خواهرش بنت الهدی را که وی نیز دارای فعالیت‌های مذهبی در عراق بود، در اوایل ۱۹۸۰ (فروردین ۱۳۵۹) دستگیر و سه روز بعد هر دو را به اتهام سازماندهی انقلاب در عراق اعدام کرد؛ اگرچه صدر و خواهرش به شهادت رسیدند، ولی به مبارزات مردم عراق علیه رژیم شدت بخشید. این شهادت پیامدهایی را به همراه داشت؛ از جمله:

۱. برپایی تظاهرات در کشورهای پاکستان، هند، لبنان و سوریه علیه رژیم عراق؛

۲. تشکیل مجلس اعلای اسلامی عراق؛

۳. اقدامات مسلحانه توسط طرفداران شهید صدر در عراق؛

۴. اکثر مسلمانان جهان این اقدام جنایتکارانه رژیم را محکوم کردند.

شهید صدر از جمله رهبرانی بود که از شعور سیاسی و اجتماعی بالایی برخوردار بود؛ چنان که توانست حرکت اعتراض آمیز و انقلابی خود را در قالب حزب الدعوه به منصف حضور برساند؛ چه اینکه اگر این حرکت از ابعاد گسترده تری برخوردار بود و حکومت مستبدی چون صدام بر مسند قدرت نمی بود، بی شک قیام صدر به نتیجه نهایی می رسید.

بنابراین رژیم صدام حسین اگرچه توانست از موجی که برای ایجاد حکومتی شیعی به پا خاسته بود، جلوگیری نماید، ولی نتوانست آن را از بین ببرد. جنبش هایی که در عراق به وجود آمد، علاوه بر اینکه از طرف حکومت سرکوب می شد و جلوی موفقیت آنان گرفته می شد، از طرف دیگر دارای موانع و آفات بازدارنده درون ساختاری بودند که طی دهه های اخیر عدم موفقیت آنها را شاهد هستیم. این موانع عبارتند از:

۱. ضعف فرهنگی شیعیان و وضعیت نیمه مدنی آنان با توجه به شرایط خاصی اقلیمی به خصوص در جنوب عراق؛

۲. نبود رهبری مقتدر و عدم آگاهی سیاسی رهبران؛

۳. ایرانی بودن برخی از مراجع عراقی؛

۴. تفاوت های رویکرد مبارزاتی شیعیان با سنی ها؛ چه اینکه سنی ها اساساً بیشتر طرفدار اصلاحات و تغییر از بالا می باشند، ولی شیعیان خواهان اقدامات انقلابی و تغییر از پایین هستند؛

۵. ضعف فعالیت های نظام مند و تشکیلاتی بین شیعیان (برنابلداجی، ۱۳۸۳: ص ۸۰).

دلایل عدم موفقیت شیعیان عراق

با وجودی که بیش از ۶۰ درصد از جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند و با توجه به اینکه عراق در همسایگی کشوری قرار دارد که عنوان مرکزیت جهان تشیع را یدک می‌کشد و با توجه به وجود حوزه‌های علمیه نجف کربلا و وجود قبور امامان شریف در شهرهای کربلا، سامرا، کاظمین و نجف و توجه خاص شیعیان جهان به عراق، این سؤال مطرح می‌شود که چرا شیعیان عراق سهمی در قدرت نداشته‌اند؟

برخلاف تشیع در ایران که دارای یک حامی دولتی بوده، در عراق چنین وضعیتی وجود نداشته است و شیعیان عراق به صورت یک نیروی مستقل عمل نموده‌اند؛ از طرف دیگر چون مناطق روستایی عراق بسیار فقیر بوده، بدین‌روی روحانیان شیعه نتوانسته‌اند به این مناطق دسترسی پیدا کنند و کسب حامی نمایند؛ از این‌رو آن انسجامی که در بین مراجع و شیعیان ایران وجود دارد، در بین مراجع و شیعیان عراق به وجود نیامد و این دو عامل به سبب عدم همبستگی شیعیان عراق می‌باشد؛ گرچه ایشان در پاره‌ای از قیام‌ها به صورت یکپارچه عمل کرده‌اند، ولی عدم همبستگی و انسجام درونی آنها باعث به وجود آمدن گسست در بین آنان می‌شود.

ابن خلدون بزرگ‌ترین فیلسوف و مورخ عرب از خلق و خوی اعراب به دلایل گوناگون به بدی یاد می‌کند. وی می‌گوید: عنصر یکپارچگی و همبستگی در قوم عرب ضعیف است.

عامل بعدی که در عدم موفقیت شیعیان دخیل می‌باشد، شرکت کمتر شیعیان در دستگاه اجرایی کشور عراق است؛ چه اینکه خاندان هاشمی که نزدیک ۳۸ سال بر عراق سلطنت کردند، سنی بودند؛ از میان ۲۳ نخست‌وزیر دوره سلطنت، فقط

چهار تن شیعه بودند و تمامی آنان از سال ۱۹۴۷ به قدرت رسیدند؛ در این میان تنها عبدالکریم قاسم که رئیس جمهور عراق شد، در میان این مقامات فردی شیعه بود. بعد از قاسم نیز حکومت‌های عبدالسلام عارف (عبدالرحمن عارف) احمد حسن البکر و صدام حسین همگی سنی بودند؛ بنابراین در طول دوران حکومت‌های یاد شده، شیعیان به ندرت در پست‌های کلیدی کشور به کار گمارده شدند.

عامل دیگری که در عدم موفقیت شیعیان دخیل بوده است، الزامات منافع ملی کشورهای منطقه و استراتژی قدرت‌های بزرگ در قبال عراق می‌باشد. به عقیده مورخان انگلیسی، خطرناک‌ترین مذاهب اسلامی پیروان اهل تشیع می‌باشند که به مذهب، محتوای سیاسی می‌دهند و عنصر فداکاری و شهادت و مبارزه با ظلم و استعمار و عدم همکاری با حکومت‌های غیراسلامی در زمره اساسی‌ترین فعالیت‌های آنان به شمار می‌رود؛ از این رو چه دولت‌های منطقه و چه قدرت‌های بزرگ درصددند تا به نحوی نگذارند شیعیان قدرت گرفته، انسجام پیدا نمایند؛ از این رو سعی می‌کنند با ایجاد تفرقه و نفاق به طرق مختلف از وحدت شیعیان جلوگیری نمایند؛ از این رو پیوسته در حال ایجاد تفرقه و نفاق و دشمنی و عداوت بین شیعه و سنی هستند؛ بنابراین اگر علمای شیعه عراق، اهتمام بیشتری به ایجاد وحدت و یکپارچگی به دور از هر گونه تعصب فرقه‌ای و قومی بین شیعه و سنی مبذول می‌داشتند، یقیناً پیروزی‌های بیشتری عاید آنها می‌شد.

مجموعه عوامل ذکر شده باعث افول قدرت شیعیان در عراق تا قبل از سقوط صدام حسین شد.

نقش آیت‌الله سیستانی و شیعیان پس از سقوط حکومت صدام

در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ مطابق با ۲۹ اسفند ۱۳۸۱ ایالات متحده آمریکا با متحدانش به عراق حمله کردند و بعد از یک ماه توانستند صدام را شکست دهند و خود بر عراق حکمرانی نمایند. برای اکثر مردم جهان اشغال عراق بزرگ‌ترین جنایت بشری بود؛ چه اینکه یکی از دقیق‌ترین آمارها به مرگ و میر یکصد هزار نفر در طول اشغال نظامی عراق اشاره می‌کند؛ همچنین از آغاز این جنگ، میزان مرگ و میر کودکان در عراق دو برابر شده است؛ البته نتایج شزارت‌بار ناشی از جنگ عراق و نادیده گرفتن قوانین حقوقی و جزای بین‌المللی تنها به عراق محدود نمی‌شود، بلکه نتایج این اقدامات در سراسر دنیا و حتی خود ایالات متحده قابل مشاهده است (چامسکی، ۱۳۸۵، ش. ۳۳، ص ۶۱).

انتظار آمریکا از حمله به عراق این بود که: سایر حکومت‌های منطقه از جمله سوریه، ایران و لیبی تسلیم شرایط مورد نظر آمریکا شوند و فلسطین نیز شرایط اسرئیل را برای سازش بپذیرد و بدین ترتیب پایدارترین بحران منطقه‌ای حل و فصل شده، منطقه نیز پتانسیل تنش‌زدایی خود را برای نظام سرمایه‌داری از دست بدهد (کرمی، ۱۳۸۴، ش. ۳۷، ص ۵۳)؛ اما انتظار آمریکا برآورده نشد و تنها توانست خاک عراق را تصرف کند و به‌صورت ظاهری پیروز جنگ باشد؛ البته پیروزی نیروهای ائتلاف به دلیل قدرت نظامی آنان نبود، بلکه هم جامعه جهانی و هم عراق از حکومت صدام احساس نارضایتی می‌کردند و خواهان تغییر رژیم بودند؛ لذا چه مردم و چه نیروهای نظامی عراق، در مقابل نیروهای مهاجم مقاومتی نکردند و نیروهای اشغالگر توانستند کمتر از یک ماه خاک عراق را اشغال نمایند. عدم مقاومت مردم

در مقابل نیروهای آمریکایی به حرکت‌هایی برمی‌گردد که از قبل در جهت مخالفت با رژیم صدام صورت گرفته بود؛ حرکت‌های اسلامی در جهت ایجاد حکومت اسلامی.

همان طور که در این مقاله گفته شد، شیعیان خود از جمله کسانی بودند که در طول تاریخ عراق مبارزاتی را علیه استعمارگران انگلیسی انجام داده‌بودند؛ اما اینکه چرا در این مقطع مقاومتی از سوی آنها دیده نشد، به دلیل این بود که آنها خواهان سرنگونی حکومت صدام حسین بودند.

با سقوط صدام، نقش شیعیان و مرجع دینی آنها آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی به صورت عینی احساس می‌شود؛ چه اینکه هر دو می‌توانند یکی از عوامل تأثیرگذار بر تصمیمات دولت عراق باشند؛ از سوی دیگر حوزه علمیه نجف آیت‌الله سیستانی را به عنوان اعلم معرفی کرده است؛ ضمن آنکه وجود رهبران و مردم ایران نیز برای مردم عراق می‌تواند وزنه‌ای قابل اتکا باشد که به عنوان بزرگ‌ترین حامی، در کنار شیعیان عراق قرار گرفته‌اند؛ لذا با کمک و پشتیبانی مردم و حکومت ایران، شیعیان عراق می‌توانند مقاصد و اهداف خود را به پیش ببرند.

آنچه اکنون در عراق می‌گذرد، وضعیتی است که از آن تحت عنوان دوران انتقالی (Transition) یاد می‌شود؛ دوره‌گذار از یک نظام اقتدارگرا به نظامی دموکراتیک؛ این دوره در سطح کلان، نتیجه تحولاتی است که با فروپاشی نظام دو قطبی در سال ۱۹۹۰ آغاز شد و با تغییر نگرش و سیاست‌های آمریکا در قبال نظام بعثی پس از حمله عراق به کویت با وقوع جنگ دوم خلیج فارس و حمله آمریکا و متحدانش به عراق ادامه یافت. (جوینس ان، ۱۳۷۳ ش. ص ۱۶۰)؛ لذا پس از حوادث روز عاشورای کربلا و کاظمین و بمب‌گذاری‌های متعدد در نقاط مختلف

عراق، مجلس اعلای این کشور پس از ماه‌ها جدال و بحث و منازعه، با فدرالی شدن عراق، به صورت موقتی موافق کرد (متقی‌زاده، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۱۶).

کمیته قانون اساسی عراق اعلام کرد درخصوص عراقی فدرال با زبان‌های رسمی عربی و کردی و دین اسلام به عنوان منبع اصلی قانونگذاری و تغییر سرود ملی و پرچم کشور موافقت کرده است؛ لذا پس از مدتی، قانون اساسی عراق برای دومین بار در طول تاریخ «عراقی مستقل» تدوین شد. این قانون در یک همه‌پرسی سراسری در مهر ۱۳۸۴ با ۷۸ درصد رأی «آری» به تصویب رسید. طبق ماده یک قانون اساسی، عنوان حکومت «جمهوری پارلمانی دموکراتیک فدرال» است (رضایی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، ص ۲۶۷).

بر اساس قانون اساسی جدید، بلوک اصلی پارلمان که از سوی شیعیان اداره می‌شود، حق معرفی نخست وزیر را دارد. ائتلاف یکپارچه عراق با حمایت آیت‌الله سیستانی ۱۲۸ کرسی از مجموع ۲۷۵ کرسی پارلمان را از آن خود کرده است؛ همچنین احزاب سنی ۵۵ کرسی و ائتلاف کردها ۵۲ کرسی را در اختیار دارند.

با توجه به موقعیت کنونی شیعیان در دستگاه اجرایی کشور، آنها می‌توانند در آینده بیشترین تأثیرگذاری را در مناسبات داخلی و خارجی عراق ایفا نمایند؛ با وجود این حکومت مقتدری در عراق حاکم نشده است و ناامنی و بی‌نظمی بر این کشور سایه افکنده است و دولت مرکزی نتوانسته کنترل کاملی بر نقاط کشور داشته باشد و هر چند وقت یک‌بار شاهد انفجارهای متعددی در نقاط مختلف عراق هستیم. با این شیوه طبیعتاً خسارت‌های مالی و جانی بسیاری بر پیکر اقتصاد نیمه‌جان عراق وارد می‌آید؛ لذا عراق برای اینکه بتواند از این بحران خارج شود، باید اقدامات زیر را انجام دهد:

۱. دولت کنونی با وساطت و همراهی مجامع بین‌المللی و سازمان ملل خواهان خروج نیروهای اشغالگر از خاک خود باشد. یکی از نمونه‌های توسل به مجامع جهانی، همایش بین‌المللی بروکسل است که به درخواست عراق و برای کمک به این کشور با شرکت وزیران خارجه نزدیک به ۸۰ کشور جهان به همراه سازمان ملل در روز چهارشنبه اول تیر ۱۳۸۴ در بروکسل برگزار شد. ابراهیم جعفری نخست وزیر وقت عراق در حاشیه، اجلاس بروکسل را ثمربخش توصیف کرد (کیهان، ۱۳۸۴/۴/۴، ص ۱۶).

۲. متحد شدت قومیت‌های کرد و سنی و شیعه. این امر موجب پیدایش وفاق ملی و قدرتمند شدن دولت می‌شود.

۳. دخالت هر چه بیشتر مرجع شیعیان عراق حضرت آیت‌الله سیستانی در امور سیاسی. در همین راستا آیت‌الله سیستانی در دیدار با وزیر امور مهاجرین عراق متذکر شد که دولت به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کند و همچنین او تصریح کرد: ملت ما اکنون منتظرند تا مسئولان کشور، مسائل و مشکلات آنان را پیگیری کنند و تلاش خود را برای حل مشکلات‌شان به کار گیرند (کیهان، ۱۳۸۴/۴/۵، ص ۱۶).

یکی از اقدامات آیت‌الله سیستانی مربوط به نبرد ۲۲ روزه نجف می‌باشد که درگیری بین نیروهای مقتدی صدر (جیش‌المهدی) و نیروهای ائتلاف، به وقوع پیوست. این درگیری با بیماری آیت‌الله سیستانی همزمان شد. نیروهای ائتلاف قصد از بین بردن تندروترین گروه شیعه عراق را داشتند که با بازگشت آیت‌الله سیستانی از لندن و بهبودی ایشان با امضای طرح صلح پنج ماده‌ای، در نهایت، آرامش در نجف حاکم شد.

همچنین آیت‌الله سیستانی در دیدار با معاون رئیس‌جمهور عراق، مردم این

کشور را به وحدت فرا خواند. این اقدامات در مدت اشغال عراق اندک بوده، ولی با دخالت بیشتر مراجع دینی در امور سیاسی می‌توانیم شاهد بهبود اوضاع در عراق باشیم.

۴. بالا بردن سطح فرهنگ سیاسی - اجتماعی مردم با کمک وسایل ارتباط جمعی، انتشار روزنامه‌ها و مجلات گوناگون و کتاب‌های متعدد. با این شیوه روحیه خودباوری و ظلم‌ستیزی در مردم تقویت خواهد شد.

۵. اتحاد رهبران دینی و گروه‌های سیاسی و همدلی و همفکری علمای بزرگ در عراق از جمله مقتدی صدر، آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله حکیم و دیگر مراجع دینی، می‌تواند افق روشنی در ثبات سیاسی عراق به وجود آورد:

مقتدی صدر یکی از روحانیون شیعه عراق بار دیگر بر خروج نیروهای بیگانه از این کشور تأکید کرد و خواستار جدول زمانبندی برای خروج آنها شد؛ همچنین شورای استان، سازمان‌ها، احزاب سیاسی و نیروهای ملی استان العماره، تحریم هر گونه معامله با نیروهای انگلیسی در این استان را خواستار شدند و سخنگوی «حزب الامه» عراق در گفت و گو با تلویزیون این کشور از ارسال نامه این حزب به رئیس‌جمهور آمریکا برای پایان حضور نیروهای آمریکا در عراق خبر داد (کیهان، ۱۳۸۴/۴/۷، ص ۱۶).

مجموعه اقدامات انجام شده، اگر از انسجام و هماهنگی لازم برخوردار باشد و هر یک از رهبران و گروه‌های سیاسی پشتیبان یکدیگر باشند، این حرکت‌ها یقیناً از کارایی لازم برخوردار خواهد بود و موفقیت نهایی به دست خواهد آمد؛ ضمن اینکه هر اقدامی به تنهایی تأثیرگذار و مفید واقع نخواهد شد.

نتیجه

با توجه به قیام‌هایی که در سده اخیر در عراق به وقوع پیوست، چه آنهایی که مردمی بودند و توسط رهبران مذهبی سازماندهی می‌شدند و چه آنهایی که در قالب حزب، فعالیت‌های ضد حکومتی و ضد استعماری انجام می‌دادند، همه دارای نواقصی بودند که از دو جنبه درونی و بیرونی قابل بررسی‌اند: از لحاظ درونی می‌توان گفت: اکثر قیام‌ها از انسجام و سازماندهی لازم برخوردار نبودند و دوم اینکه عدم اتحاد بین قومیت‌های مختلف عراق و عدم حمایت و مشارکت یکپارچه مردم باعث ناکامی این قیام‌ها بود؛ از لحاظ بیرونی هم می‌توان گفت: اگر این قیام‌ها از طرف ملت‌ها و دولت‌های همسایه حمایت می‌شد، بی‌شک به موفقیت‌های چشم‌گیری دست می‌یافتند.

پیروزی حزب‌الله لبنان در مقابله با اسرائیل، طی جنگی (۳۱ روزه در سال ۲۰۰۶) این امر را ثابت کرد که اگر حمایت کشورهای مسلمان به خصوص ایران از حزب‌الله نمی‌بود، بی‌شک موفقیت نهایی نصیب آنان نمی‌شد.

عامل بیرونی دیگری که در عدم موفقیت حرکت‌های انجام شده در عراق دخیل بود، سازمان ملل متحد می‌باشد؛ چراکه این سازمان به عنوان پاسدار صلح در جهان باید به هر طریق ممکن صلح و امنیت را در جهان برقرار نماید؛ ولی مداخله نظامی آمریکا در عراق که منجر به کشته شدن ده‌ها هزار نفر از مردم بی‌گناه عراق شد، عدم کارایی سازمان ملل را ثابت کرد؛ چه اینکه این سازمان بزرگ در قبال این تجاوز هیچ عکس‌العملی از خود نشان نداد. عدم کارایی سازمان ملل در مورد تجاوز آمریکا به حریم کشورهای جهان به حق وتوی این کشور در سازمان ملل متحد بازمی‌گردد. جالب اینجاست که تاکنون بیش از ۵۰۰ قطعنامه علیه اسرائیل از سوی سازمان ملل صادر شده است؛ ولی هیچ کدام از

آنها عملی نشده و فاقد ضمانت اجرایی بوده است و این تنها به حق وتوی آمریکا در این سازمان بازمی‌گردد؛ بنابراین تا زمانی که آمریکا در سازمان ملل حق وتو دارد، فعالیت‌های سازمان ملل در جهت برقراری صلح و امنیت در جهان بی‌اثر خواهد ماند. با این همه، اگر درایت سیاسی رهبران مذهبی و ایجاد وحدت بین گروه‌های مختلف در عراق فراهم آید، همان‌طور که آمریکا در ویتنام شکست خورد، در عراق نیز شکست خواهد خورد.

منابع

۱. برنا بلداجی، سیروس؛ ایالات متحده و نقش شیعیان در فرایند دولت‌سازی و نظام سیاسی عراق نوین (کتاب آمریکا ۲)؛ تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲. بیگدلی، علی؛ تاریخ سیاسی و اقتصادی عراق؛ تهران: میراث ملل، ۱۳۶۴ ش.
۳. جویس ان، ویلی؛ نهضت‌های اسلامی شیعیان عراق؛ ترجمه: مهنوش غلامی؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳ ش.
۴. چامسکی، نوام؛ «آمریکا بانی تروریسم»؛ ماهنامه سیاحت غرب؛ مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، س ۲ (فروردین ۱۳۸۵) ش ۳۳.
۵. حائری، عبدالهادی؛ تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰ ش.
۶. حکیم، حسن؛ «وضعیت گروه‌های سیاسی عراق»؛ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم؛ س ۵ (تابستان ۱۳۸۱)، ش ۱۸.
۷. دکمیجان، هرایرد؛ جنبش‌های اسلامی در جهان عرب؛ ترجمه حمید احمدی؛ تهران: کیهان، ۱۳۶۶ ش.
۸. رضایی، مائده؛ «حقوق سیاسی زنان در کشورهای اسلامی»؛ فصلنامه تخصصی بانوان شیعه؛ س ۲ و ۳ (زمستان ۸۴ و بهار ۸۵)، ش ۶ و ۷.
۹. رضایی، مهدی؛ حضور نظامی ایالات متحده در عراق پس از جنگ (کتاب آمریکا ۲)؛ تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. روزنامه کیهان؛ شماره ۱۸۲۶۴، ۱۳۸۴ / ۴ / ۵.
۱۱. روزنامه کیهان؛ شماره ۱۸۲۶۶، ۱۳۸۴ / ۴ / ۷.
۱۲. روزنامه کیهان؛ شماره ۱۸۲۶۳، ۱۳۸۴ / ۴ / ۴.
۱۳. شهیدی، روح‌الله؛ «معرفی کتاب علوم‌القرآن شهید محمدباقر حکیم»؛ آینه پژوهش؛ س ۱۷ (فروردین ۱۳۸۵)، ش ۱.
۱۴. صاحبی، محمد جواد؛ اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی؛ ج ۳، قم: مؤلف، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. صادقی تهرانی، محمد؛ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق؛ قم: دارالفکر، ۱۳۶۳ ش.

۱۶. عیوضی، محمد رحیم؛ جنبش‌های اسلامی معاصر (جزوه درس سمینار)؛ قم: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. فراهانی، حسن؛ «انگلیس و جنبش استقلال‌طلبی شیعیان عراق (۱۹۱۴-۱۹۲۴)»؛ فصلنامه مطالعات تاریخی؛ س ۲ (پاییز ۱۳۸۴)، ش ۹.
۱۸. کاظمی، علی؛ آیت‌الله سید حسن شیرازی، شهید انقلاب اسلامی عراق؛ قم: قرآن، ۱۳۶۴ ش.
۱۹. کرمی، جهانگیر؛ «روسیه و طرح خاورمیانه بزرگ: بازیگر حاشیه عمل‌گرا»؛ فصلنامه مطالعات خارجی؛ س ۱۲ (پاییز ۱۳۸۴)، ش ۳.
۲۰. کوهستانی‌نژاد، مسعود؛ «روابط ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم»؛ فصلنامه تاریخ روابط خارجی؛ س ۵ (تابستان ۱۳۸۲)، ش ۱۹.
۲۱. گراهام، فولر؛ «شیعیان عراق»؛ ترجمه خدیجه تبریزی؛ فصلنامه شیعه‌شناسی؛ س ۲ (تابستان ۱۳۸۲)، ش ۶.
۲۲. لک‌زایی، نجف؛ زمینه‌های انقلاب اسلامی ایران؛ قم: مؤسسه فرهنگی انتشارات ائمه علیهم‌السلام، ۱۳۷۷ ش.
۲۳. متقی‌زاده، زینب؛ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس؛ قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴ ش.
۲۴. نیکوبرش، فرزانه؛ بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.